

Transparency of election administrators and their implementation processes in the Iranian legal system

Abstract

Transparency of electoral processes under the policy and rules of "transparency of political activities" in many countries has a specific mechanism and mechanism of implementation. One of the most important examples of transparency in a favorable election is the transparency of observers and executive processes in different stages of the election. The purpose of this article is to examine the transparency of supervisors and executive processes in accordance with current laws and regulations. The research is a descriptive-analytical method that has used documentary-library sources as well as the rules governing the election executive processes to prepare and review the data. The research question is that in the laws and regulations governing the executors, what harms lead to the impairment of transparency in the selection? The results show that transparency in determining the terms and conditions of how elections are held will play a key role in voting. In order for the conduct of the elections to be transparent, the duties of each of the executors, observers and other persons involved in the election process must be specified separately and monitored during the elections. Also, the lack of hierarchical supervision, the lack of independence of the election administration and the lack of a strategic attitude in the electoral laws are among the harms of the Iranian electoral system in terms of transparency.

Keywords: Transparency, elections, election executives and executive processes.

شفافیت ناظر بر مجریان انتخابات و فرایندهای اجرایی آن در نظام حقوقی ایران

محمد اسماعیل اسدی^۱

تاریخ دریافت: ۱۹/۳/۱۴۰۱

حسن خسروی^۲

تاریخ پذیرش: ۲۰/۶/۱۴۰۱

احمدرضا بهنیا^۳

علی پور قصاب امیری^۴

چکیده

شفاف شدن فرایندهای انتخابات ذیل سیاست و قوانین «شفافیت فعالیت‌های سیاسی» در بسیاری از کشورها مکانیسم و سازوکار اجرایی مشخصی دارد. از جمله مهمترین مصادیق شفافیت در یک انتخابات مطلوب، شفافیت ناظر بر مجریان و فرایندهای اجرایی در مراحل مختلف انتخابات است. هدف از مقاله حاضر بررسی شفافیت ناظر بر مجریان و فرایندهای اجرایی بر اساس قوانین و مقررات جاری است. پژوهش به روش توصیفی تحلیلی بوده که از منابع اسنادی - کتابخانه‌ای و همچنین از قوانین ناظر بر فرایندهایی اجرایی انتخابات جهت تهیه و بررسی داده‌ها استفاده شده است. پرسش پژوهش این است که در قوانین و مقررات ناظر بر مجریان، چه آسیب‌هایی منجر به خدشه‌دار شدن شفافیت انتخاب می‌گردد؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شفافیت در تعیین شرایط و ضوابط پیرامون نحوه برگزاری انتخابات نقش اساسی در ابراز رای به دنبال خواهد داشت. برای اینکه نحوه برگزاری انتخابات از شفافیت برخوردار گردد، باید وظایف هر یک از مجریان، ناظرین و سایر اشخاصی که در فرایند برگزاری انتخابات دارای نقش هستند به تفکیک مشخص شده و در زمان برگزاری انتخابات مورد نظارت قرار بگیرد. همچنین فقدان نظارت سلسله‌مراتبی، فقدان استقلال نهاد مجری انتخابات و فقدان نگرش راهبردی در قوانین انتخاباتی از جمله آسیب‌های نظام اجرایی انتخابات ایران در زمینه شفافیت است.

واژگان کلیدی: شفافیت، انتخابات، مجریان و فرایندهای اجرایی انتخابات.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دامغان، دامغان، ایران. Soheil.Asadi1979@yahoo.com

^۲ دانشیار حقوق عمومی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول) hkh.be92@yahoo.com

^۳ استادیار گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران. behniafar@yahoo.com

^۴ استادیار گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران. aliamiri20@yahoo.com

۱- مقدمه

انتخابات از جمله ضابطه‌های تمایز نظام‌های مردم‌سالار از دیگر نظام‌ها و از شاخص‌های مهم ارزیابی و کیفیت عملکرد این‌گونه نظام‌ها است. از این رو انتخابات از جهات مختلف و از جمله از نظر کیفیت برگزاری، نهاد مجری، مجریان، نظارت و ناظران و چگونگی اجرا و نظارت، همواره مورد توجه سیاستگذاران، قانون‌گذاران، مجریان قانون و شهروندان بوده است. در برگزاری انتخابات عناصر و عوامل متعددی نقش‌آفرینی می‌کنند که نقش و اهمیت هر عنصر و عامل تابع مقتضیات و ماهیت نظام انتخابات است. شفافیت انتخابات، به معنای دقیق و روشن بودن قوانین، مقررات اجرایی، فرایندهای انتخاباتی، نقش‌ها و در یک کلام حق دسترسی به اطلاعات کافی جهت استفاده از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن می‌باشد. اصل شفافیت در انتخابات، علاوه بر اینکه می‌تواند در گزینش آگاهانه شهروندان موثر باشد، زمینه‌های بروز فساد در عرصه انتخابات را نیز کاهش می‌دهد. شفافیت مفهوم وسیعی دارد که در بخش‌ها و فرایندهای انتخابات اعمال می‌گردد؛ مانند شفافیت اجرایی و اقدامات، شفافیت برنامه‌ای، شفافیت مالی، شفافیت اطلاعات و غیره... توجه به اصل شفافیت موجب می‌شود که گروه‌های ذینفع عمومی تشکیل شود که در عرصه انتخابات هم مدافع نفع عمومی در این مقوله باشند و هم جلوگیری کننده و افشا کننده در انحرافات و فساد در این مقوله شوند. در این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است، شفافیت ناظر بر مجریان انتخابات و فرایندهای اجرایی آن در نظام حقوقی ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفته و برخی آسیب‌های آن تحلیل شده است.

۲- پیشینه پژوهش

محمدزاده اصل و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی، بسترها و ابزارهای نظارتی لازم در تحقق انتخابات مردم‌سالار را مورد بررسی قرار داده‌اند. به باور آنها، تحقق و نهادینه شدن انتخابات مردم‌سالار نخست موقوف به ایجاد بسترها و فرهنگ مردم‌سالار است و سپس مستلزم ایجاد ابزارهای نظارتی برای صیانت حداکثری از برگزاری انتخابات رقابتی، منصفانه و عادلانه. بر این اساس، نویسندگان مقاله بررسی جریان انتخابات، بسترها و ابزارهای نظارتی لازم برای استقرار مردم‌سالاری را کانون اصلی پژوهش قرار داده و یافته‌های پژوهشی خود را به روش توصیف و تحلیل داده‌ها برای اثبات موضوع به کار برده‌اند. مرادپور (۱۳۹۶)، به بررسی نظارت بر هزینه‌های انتخاباتی در نظام حقوق انتخاباتی ایران، پرداخته است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، نظارت بر انتخابات، نقش مهمی در شفافیت انتخاباتی دارد. طبق اصل ۹۹ قانون اساسی نظارت بر انتخابات بر عهده شورای

نگهبان است اما به نظر می‌رسد قوانین انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با نظارت مالی بر انتخابات، ضعیف است. جانسون^۱ (۲۰۱۹)، در پژوهشی به محدودیت‌های شفافیت و کنترل فساد در انتخابات آمریکا پرداخته است. توجه بیشتر این پژوهش بر بحث کمپین‌های حمایتی مالی بوده و در این زمینه پیشنهاد می‌کند که لازم است کوچکترین حمایت‌های مالی در کمپین‌های انتخاباتی در یک سیستم کاملاً شفاف درج شده و منعکس شود.

۳- شفافیت

شفافیت به معنای این می‌باشد که تصمیم‌گیری و اجرای آن به شیوه‌ای باشد که از «قانون و مقررات^۲» تبعیت نماید. همچنین شفافیت به معنای دسترسی آزاد به اطلاعات موجود می‌باشد. این اطلاعات و تصمیمات عنوان شده، به صورت مستقیم در دسترس کسانی قرار گیرد که اجرای آن بر زندگی آنان تأثیرگذار می‌باشد. به علاوه شفافیت به معنای این می‌باشد که اطلاعات ارائه شده کافی باشد و به شیوه‌ای آسان و قابل فهمی از رسانه‌ها، در دسترس ذینفعان قرار گیرد^۳. شفافیت^۴ عبارت‌اند از «افزایش فزاینده جریان به موقع و معتبر اطلاعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی همچنین عدم شفافیت را می‌تواند همان ممانعت عمدی از دسترسی آزاد به اطلاعات، ارائه نادرست اطلاعات یا ناتوانی بازار در کسب اطمینان از اطلاعات موجود به دلیل عدم شفاف‌سازی، عنوان نموده‌اند».

شفافیت در موتور به هم پیوسته رفاه و توسعه اقتصادی است که حکمرانی (بخش خصوصی، دولت و جامعه مدنی) را توانمند می‌سازد. از این رو دسترسی بیشتر و به اشتراک گذاری اطلاعات، مردم را قادر می‌نماید که تصمیمات سیاسی آگاهانه اتخاذ نمایند (طاهری و ارسطا، ۱۳۹۵، ص ۱۷). شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات، پاسخ‌گویی دولت‌ها را ارتقا می‌دهد و قلمروی فساد را کاهش می‌دهد. شفافیت و دسترسی به اطلاعات از شروط اساسی رشد و توسعه اقتصادی، می‌باشد، از این رو شفافیت باعث ارتقای اختصاص منابع می‌گردد، اثربخشی را افزایش می‌دهد و از این رو است که باعث افزایش رشد اقتصادی می‌گردد (رحمتی‌فر، ۱۳۹۴). همچنین نقص اطلاعات در بازار هزینه مبادله را بالا می‌برد و عدم موفقیت بازار را افزایش می‌دهد. اگرچه عدم موفقیت بازار باعث اختلال در عملکرد کل بازارهای مالی می‌گردد اما نقص اطلاعات در بازار اثرات منفی زیادی بر سرمایه بازارها به جای می‌گذارد. می‌توان عنوان نمود که در ادبیات بحران‌های مالی، فقدان شفافیت، به عنوان یکی از مهم‌ترین عواملی است که در به وجود آمدن و طولانی شدن بحران‌ها نقش داشته است. در

^۱ Johnston.

^۲ Rules and Regulations

^۳ UNESCAP, ۲۰۰۶.

^۴ Transparency

حقیقت برخی از صاحب نظران شفافیت را «قدرت دانستن و آگاهی^۱» قلمداد نموده‌اند. از این رو وقتی شهروندان از عملکرد دولت و در کل حکومت مطلع باشند، قادر خواهند بود فشار بیشتری به مقامات عمومی و دولتی در جهت انجام وظایف محوله، در جهت منفعت و خیر عمومی وارد نمایند (شه و اسکتر^۲، ۲۰۰۴، ص ۴۳).

ویژگی شفافیت و پاسخ‌گویی نظام دموکراتیک در این است که نه فقط شاخه اجرایی حکومت بلکه باید همه ارکان و ابعاد حکومت و مقامات عالی سیاسی و قضایی نسبت به یکدیگر و مراجع مستقل، جوامع مدنی و مردم شفاف‌سازی نمایند و در نهایت خود را پاسخ‌گو نمایند (زارعی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۹). همچنین شفافیت از عناصر اساسی برای توسعه بهتر و رشد سریع‌تر اقتصادی می‌باشد. از این رو جوامع در سطح ملی و بین‌المللی باید به آن توجه نمایند. در درون یک استراتژی شفاف ساز در جهت مبارزه با فساد مواردی از اصلاحات اساسی زیر پیشنهاد گردیده است (کافمن، ۲۰۰۵).

۱- افشای عمومی دارایی و درآمد کاندیداها که قصد تصدی مشاغل عمومی مانند مقامات عمومی از قبیل مشاغل سیاسی، نمایندگی مجلس و همین طور قضاوت را دارند، که البته این افشای عمومی دارایی و درآمد شامل بستگان این مقامات نیز می‌گردد؛

۲- افشای عمومی کمک‌های مبارزات انتخاباتی که توسط شرکت‌ها و اشخاص صورت می‌گیرد و همین طور افشای هزینه‌های انتخاباتی؛

۳- افشای عمومی^۳ تمام آرای پارلمانی، پیش‌نویس‌های تصویب قوانین و مذاکرات پارلمانی؛

۴- جداسازی مؤثر تجارت، سیاست، قانون‌گذاری و خدمات عموم از یکدیگر؛

۵- اجرای مؤثر قانون آزادی دسترسی به اطلاعات با دسترسی آسان به تمام اطلاعات مربوط به دولت؛

۶- آزادی مطبوعات، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در مبارزه با فساد بر اساس اصل بیست و چهارم قانون اساسی که عنوان می‌نماید «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد».

۷- شفافیت مالیاتی و مالیه عمومی، بودجه محلی و ملی، اتخاذ گزارش‌های صندوق بین‌المللی پول در مورد استانداردها و چارچوب مقررات شفافیت مالی، گزارش مفصل دولت از پرداخت‌ها و...

۸- افشای میزان سرمایه مالی و غیرمالی بانک‌های داخلی؛

^۱ The Power of Knowledge

^۲ Shah & Schacter.

^۳ Public Disclosure of All Parliamentary Votes

۹- تهیه و خرید اقلام و نیازمندی‌ها به صورت رقابتی و از طریق مناقصه؛

۱۰- انتشار عمومی نقش حکمرانی کشور در مبارزه با فساد در بازه زمانی مشخص؛

۱۱- برنامه‌های شفاف‌سازی در سطح کشور شامل بودجه‌ریزی عملیاتی، انتشار بودجه جهت شفاف‌سازی هرچه بیشتر.

۳-۱- مفهوم شفافیت در نظام انتخابات

یک نظام شفاف انتخاباتی نظامی است که امکان بصیرت را را برای شهروندان خود فراهم آورد که این امر از طریق دسترسی مردم به اطلاعات و فرایندهای روشن و صحیح و درست میسر می‌گردد (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۶۱). شفافیت و پاسخگویی پایه‌های لازم‌الاجرای نظارت مردم‌سالارانه می‌باشد، که حکمرانی را در نتایج، پیگیری اهداف روشن، توسعه راهبردهای موثر، نظارت بر عملکرد و گزارش آن در کلیه فرایندهای انتخابات وادار می‌کند که در مجموع موجب جلوه‌گری و اثر بخشی اصل شفافیت در کلیه فرایندهای انتخاباتی می‌شود (مرلو^۱، ۲۰۱۹، ص ۱۴۱) و موجب بالا رفتن درجه‌ی خلوص و درستی عبار انتخابات می‌گردد (هاشمی و عدالت‌جو، ۱۳۹۰، ص ۲۱۵). شفافیت موجب تساهل و دستیابی شهروندان به اطلاعات و آشنایی آنان به قوانین و کلیه فرایندهای آن می‌شود این امر به موجب عدم ایجاد موانع برای شهروندان، نخبگان، فعالان اجتماعی، احزاب به اطلاعات معتبر و موثق و بهنگام می‌باشد، یا به عبارت دیگر در تعریف شفافیت می‌توان گفت، یعنی گشایش امور غیر امنیتی و نظامی برای افرادی است که مخاطب انتخابات می‌باشد (گرین^۲، ۲۰۱۴، ص ۵۰۵) به طوری که رسانه‌ها، سایت‌ها، قوانین، تصمیمات و ... قابل عرضه به افکار عمومی باشد تا موجب بصیرت و افزایش آگاهی و ارزیابی و افزایش کارآمدی و در نهایت در مورد آنها به قضاوت و سنجش بنشینند (طاهری فدافن و باقری فارسانی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۴). به عبارت دیگر شفافیت در انتخابات را می‌توان این‌گونه تبیین نمود و آن عبارت است از:

۱. شفافیت یعنی تابانیدن نور بر قوانین، برنامه‌ها، فرایندها و اقدامات در کلیه‌ی عرصه‌ها و جریان‌ات انتخابات از قبل و حین تا بعد انتخابات.
۲. آگاهی از چرایی‌ها، چگونگی و چیستی در عرصه و فرایندهای مختلف انتخابات می‌باشد.
۳. شفافیت تضمین می‌کند که مسئولان و عناصر و عوامل اجرایی در مناصب گوناگون از قبل و حین و بعد فرایند انتخابات به صورت قابل رویت و قابل فهم فعالیت کرده‌اند و گزارشاتی پیرامون اقداماتشان منتشر نموده تا به وضوح و روشنی مورد ارزیابی و

^۱ Merloe.

^۲ Green.

سنجش و اصلاح و قضاوت قرار گیرند که این امر موجب افزایش خلوص شفافیت و کارآمدی آن می‌شود.

۴. شفافیت مطمئن‌ترین راه ساختاری ایجاد مانع در برابر انحرافات و فساد در کلیه مراحل و روند انتخابات می‌شود که در نتیجه سبب افزایش اعتماد مردم به حکمرانی و نهادهای مسئولیت‌پذیر در ارتباط با انتخابات می‌شود.

۳-۲- رویکردهای مختلف به شفافیت در انتخابات

شفافیت عبارت‌اند از امکان مشاهده آشکار، روشن و نامخدوش پدیده‌ها و واقعیت‌های موجود در جامعه و ادراک واضح و یکسان از آنها در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی است که عملکرد عادلانه، صحیح و مناسب رفتارهای فردی و اجتماعی را در ساز و کارها و روابط مختلف حاکم بر جامعه میسر می‌سازد (قلی‌پور، ۱۳۸۳، ص ۷۳). دستیابی حقیقی به آزادی، اطلاعات، عدالت، کسب دانش، آگاهی، اعتماد، امنیت و صداقت تنها در بستری شفاف امکان‌پذیر است و در سایه ابهام، دروغ و پنهان‌کاری در محیط‌های تار و غیر شفاف، فساد، تباهی و ظلم ریشه می‌دواند و گسترش پیدا می‌کند. از دیدگاهی دیگر بر اساس اصل شفافیت، دولت و حکومت نه تنها موظف است، سیاست انتخاباتی خود را به طور عمومی اعلان نماید، بلکه در عین حال متعهد است، تأثیرات ناشی از اجرای سیاست‌های مذکور و منطق ناظر بر چنین سیاست‌هایی در عرصه انتخابات را نیز اعلام نماید.

از دیدگاه سیاسی، شفافیت در انتخابات به معنی روشن و آشکار بودن اساس فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری سیاسی و سازوکارهای حاکم بر نحوه توزیع قدرت در نظام انتخاباتی است که این روشنی موجب برقراری اعتماد و اطمینان متقابل در روابط بین افراد و گروه‌های مختلف می‌گردد (وکیلیان و درخشان، ۱۳۹۶، ص ۲۲۸). امکان رقابت سالم میان احزاب و گروه‌های سیاسی برای کسب قدرت و وجود رسانه‌های جمعی و مطبوعات آزاد جهت اطلاع‌رسانی صحیح و انتقاد از عملکرد مقامات حاکم، از شرایط لازم برای شکل‌گیری یک محیط شفاف سیاسی است که در آن از تمرکز قدرت در دست یک فرد و یا گروه خاص، رانت‌جویی و اعطای امتیازات ویژه و انحصار به افراد یا گروه‌های خاص جلوگیری می‌شود.

از دیدگاه اقتصادی شفافیت در انتخابات به معنی اطلاع‌رسانی حقیقی و همه‌جانبه در عرصه فعالیت‌های اقتصادی و روشن بودن سازوکارهای حاکم بر روابط اقتصادی یعنی چگونگی رخ دادن جریان‌های مالی در نظام انتخابات است. شفافیت اقتصادی علاوه بر اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌های جمعی و مطبوعات شامل اطلاع‌رسانی ناشی از عملکرد مناسب مکانیسم اقتصادی از جمله مکانیسم قیمت‌ها که در نظام بازار رقابتی، اطلاعات صحیح و دقیقی را درباره کمیابی منابع رهنمون می‌سازد. از این رو آزادی حتی بدون قید و شرط رسانه‌ها و مطبوعات به تنهایی برای برقراری شفافیت در

عرصه اقتصادی انتخابات کافی نیست. بلکه ایجاد جریان‌های رقابتی و حذف عوامل مخدوش‌کننده مالی، لازمه برقراری شفافیت و عقلانیت اقتصادی و جلوگیری از بروز رفتار نامعقول و غیرموجه و فرصت‌طلبانه در انتخابات است.

شفافیت، موضوعی محوری در مباحث کلان حکومت‌های مردم‌سالار و اصلاح اراده عمومی است تا آنجا که دسترسی آزادانه به اطلاعات و علنی بودن آن را شرط مقدم مقابله با فساد انتخاباتی و تقویت پاسخگویی مقام‌های عمومی دانسته‌اند. در واقع شفافیت نوری است که بر قوانین، برنامه‌ها، فرآیندها و اقدامات در جهت چرایی، چستی و چگونگی فعالیت هر نهاد فعال در انتخابات تابانده می‌شود. شفافیت این اطمینان را می‌دهد که مقامات دولتی و عمومی، کارمندان دولت، مدیران، اعضای هیئت مدیره و بازرگانان به شیوه‌ای قابل رویت و قابل فهم فعالیت نمایند و فعالیت‌های خود را گزارش نمایند (افضلی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۰). فلسفه این رویکرد به این معنی است که مقامات و فعالان اقتصادی یاد شده در برابر مردم پاسخگو باشند. چنین فرآیندی مطمئن‌ترین رویکرد در مبارزه با فساد انتخاباتی است و باعث افزایش اعتماد عمومی و نهادهای تأثیرگذار اعم از اقتصادی، سیاسی و اداری می‌گردد.

در فرهنگ وبستر، شفافیت بدین صورت تعریف شده است: «باز بودن یا گشودگی مؤسسه‌ها، آشکار بودن فعالیت مؤسسه‌ها، صداقت و درک‌پذیری آسان». در این تعریف منظور از باز بودن یا گشودگی مؤسسه‌ها، دسترسی آسان به عملیات داخل شرکت و منظور از آشکار بودن مؤسسه‌ها، وضوح اطلاعات است. بنابراین با توجه به این تعریف لازم است که تمامی نهادها، سازمان‌ها، گروه‌ها، احزاب و مؤسسات فعال در انتخابات نسبت به آشکار بودن فعالیتشان گشوده بوده و نسبت به شفافیت اطلاعات اقدام نمایند. شفافیت به «آشکاری فرآیندها^۱، رویه‌ها و ارزش‌های جوامع مدنی، افشا و انتشار اطلاعات نهادهای عمومی نیز قلمداد می‌گردد^۲. تعریف‌های متعدد دیگری نیز برای شفافیت ارائه شده است که با توجه به تأکید بر مفهوم‌های متفاوت، می‌توان آنها را در دو طبقه به شرح زیر از یکدیگر متمایز کرد:

الف - تعریف‌های مبتنی بر ذی نفعان اطلاعات: ویش واناث^۳ و کافمن^۴ شفافیت را «افزایش جریان به موقع و درخور اتکای اطلاعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که در دسترس همه ذی‌نفعان مربوط باشد»، تعریف کرده‌اند. همچنین، ویش واناث و کافمن (۱۹۹۹) نبود شفافیت را به عنوان «مانعت عمدی از دسترسی به اطلاعات، ارائه نادرست اطلاعات یا ناتوانی بازار در کسب اطمینان

^۱ The Openness of Processes

^۲ CIVICUS, World Alliance for Citizen Participation, ۲۰۱۰.

^۳ Vishwanath.

^۴ Kaufmann.

از کمیت و کیفیت اطلاعات ارائه‌شده» تعریف کرده‌اند. دیدگاه سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ گسترده‌تر است و شفافیت را به عنوان ارتباط متقابل بین شرکت‌ها و سایر گروه‌های ذی‌نفع در جهت تسهیل فرآیند ارزیابی عملکرد شرکت‌ها بیان می‌کند.

ب- تعریف‌های مبتنی بر پاسخ‌گویی: گروه تخصصی شفافیت در دانشگاه بروکینگز^۲، شفافیت را به عنوان «درجه باز بودن مؤسسه‌ها بیان کرده است؛ یعنی میزان نظارت و ارزیابی اعمال افراد داخل شرکت (مانند مدیران) توسط افراد خارج از شرکت (مانند سهامداران). در تعریف فلورینی^۳ (۱۹۹۹) پاسخ‌گویی به نسبت به شفافیت، برجسته‌تر شده است. وی شفافیت را به عنوان «افشای اطلاعاتی توسط شرکت‌ها که برای ارزیابی عملکرد آنها مفید باشد»، تعریف کرده است. از دیدگاه وی، شفافیت ابزاری برای تسهیل فرآیند ارزیابی عملکرد شرکت‌ها می‌باشد. تأکید بر حق دسترسی به اطلاعات (با در نظر داشتن حریم هر دو طرف تهیه‌کننده و استفاده‌کننده) و امکان ارزیابی عملکرد شرکت‌ها با استفاده از این اطلاعات در تعریف‌های یادشده برجسته‌تر شده است. در واقع، شفافیت ارتباطی تنگاتنگ با پاسخ‌گویی دارد و علت تقاضا برای شفافیت این است که بازار شرکت‌ها را بابت سیاست‌های برگزیده شده و عملکرد آنها مسئول می‌داند. از این رو، مطابق با چنین تعریفی، شفافیت انتخاباتی شامل دسترسی به اطلاعاتی است که ارزیابی عملکرد مؤثرین در انتخابات را میسر کرده و اطلاعات را به صورت صحیح منتشر میکند.

وجه اشتراک همه این تعریف‌ها، «قابلیت دسترسی به اطلاعات» و «توانایی برقراری ارتباط و وجود جریان ارسال و دریافت اطلاعات» است.

شفاف‌سازی، حق دانستن^۴ یکی از پایه‌های اصلی دموکراسی و مردم‌سالاری است. از سوی دیگر، این حق یکی از حقوق اساسی بشری است که اعلامیه حقوق بشر نیز بر آن تأکید شده است (سازمان ملل متحد) و همه کشورها از جمله ایران آن را پذیرفته‌اند. حق دانستن، این مفروضه را در خود دارد که آدمیان اساساً موجوداتی خردورز، دارای قوه داوری، و قادر به تشخیص صلاح خویش هستند و از همین رو حق دارند از چندوچون تصمیماتی که با سرنوشت آنها ارتباط دارد، آگاه شوند. بر این اساس هرگونه رفتار قیم‌مآبانه و مخفی‌کارانه نافی این اصل بنیادین است (ناعمه، ۱۳۹۰، ص ۳۰). در گذشته بسیاری از حکومت‌ها، نهادها و سازمان‌ها می‌کوشیدند نحوه فعالیت انتخاباتی خود را با استفاده از پوشش محرمانه بودن، از چشم مردم مخفی نگه دارند. این امر با دستاویزهای گوناگون همچون «امنیت ملی»، «بهانه ندادن به دست دشمن»، «رعایت منافع همگان» و مانند آن صورت می‌گرفت. اما اکنون با تحولاتی که در نتیجه گرایش به دموکراسی صورت گرفته است، دیگر این

^۱ Organization for Economic Cooperation & Development (OECD)

^۲ Brookings

^۳ Florini.

^۴ The Right to Know

دستاویزها کارایی گذشته را ندارد و وضع به گونه‌ای تغییر کرده است که باید برای مخفی کردن مسائل دلیل آورد و لازم نیست برای علنی ساختن و فاش نمودن آنها دلیل ارائه داد. یعنی اصل بر فاش نمودن و دسترسی آزاد مردم به اطلاعات است، در صورتی که عدم دسترسی و فاش نمودن اطلاعات یک استثنا است که در قوانین دسترسی آزاد به اطلاعات نیز مورد شناسایی قرار گرفته است.

شفافیت مقدمه پاسخ‌گویی است. چرا که تا زمانی که قواعد، رویه‌ها، فرآیندها و اختیارات اداره و مقام اداری و ساختار سازمانی اداره شفاف نباشد، مشخص نیست چه نوع اختیاری توسط کدام مقام یا مرجع و یا تا چه زمانی اعمال شده است. شفافیت ابزاری برای ارزیابی محسوب می‌گردد و نقش پررنگی در فائق آمدن بر مفاسد اقتصادی و حتی سیاسی ایفا می‌نماید. زیرا علاوه بر تضمین جریان آزاد اطلاعات، مردم را از عملکرد نهاد عمومی آگاه می‌سازد و باعث می‌گردد که نهاد عمومی و دولتی از گام برداشتن برخلاف منفعت عمومی بر حذر داشته شوند.

۴- پاسخگویی

نه تنها بخش‌های دولتی^۱ بلکه بخش خصوصی و نهادهای جامعه مدنی^۲ باید نسبت به عموم مردم و مشتریان خود، پاسخ‌گو باشند. اینکه چه کسی در مقابل چه کسی پاسخگو باشد بستگی به «تصمیمات و یا اقداماتی^۳» دارد که در درون یا بیرون از نهاد یا سازمان اتخاذ می‌گردد. به طور کلی یک سازمان و یا یک نهاد باید در مقابل کسانی که تصمیماتش بر آنان تأثیر می‌گذارد پاسخگو باشد، از این رو پاسخ‌گویی عنصری گوهری در برابر مفاسد اقتصادی و سیاسی در سطح کلان می‌باشد. اما نکته اساسی که باید در مورد مؤلفه پاسخ‌گویی به آن توجه کرد این است که پاسخ‌گویی بدون شفافیت و حاکمیت قانون امکان‌پذیر نیست. از دیدگاه دیگر مهم‌ترین ساز و کارهایی که باعث پاسخ‌گویی سیاسی مقامات حکومتی به مردم و نظارت همگانی می‌شود، وجود انتخابات مناسب و عادلانه، مطبوعات آزاد و مستقل می‌باشد.

مسلماً لازمه چنین نظام انتخاباتی که بتواند پاسخ‌گویی مسئولان حکومتی را نهادینه نماید، وجود مجموعه قوانینی است که شرایط لازم برای رأی‌دهندگان و نامزدهای انتخاباتی را به طور منصفانه، بدون تبعیض و بی طرفانه معین نماید و مراحل ثبت نام، مبارزات انتخاباتی، شمارش آرا، جلوگیری از تخلفات انتخاباتی و مراحل حل و فصل شکایات انتخاباتی را با وصف بی طرفی و با توجه به

^۱ Governmental Institutions

^۲ Civil Society Organizations

^۳ Decisions or Actions

انصاف و برابری پیش‌بینی و تضمین نماید^۱. شکل‌گیری مفاسد اقتصادی در هر جامعه‌ای نیازمند حضور یکی از سه ضلع فرمولی ساده به شرح زیر می‌باشد (طاهری و داوودی گرمارودی، ۱۳۹۳):

فساد = انحصار + صلاحیت و قدرت تصمیم‌گیری - پاسخ‌گویی - شفافیت و حاکمیت قانون.

شایان ذکر است عدم استقرار دیگر مؤلفه‌های حکمرانی خوب نیز در وقوع فساد اثر گذار می‌باشند اما اثرگذاری آنان از پاسخ‌گویی، شفافیت و حاکمیت قانون کمتر است. بنابراین در صورت عدم وجود رقابت اقتصادی و سیاسی انحصار به وجود می‌آید و در نهایت با استقرار انحصار در اقتصاد و سیاست، پاسخ‌گویی، حاکمیت قانون، شفاف‌سازی و دسترسی به اطلاعات به حاشیه خواهد رفت و این خود مهم‌ترین عامل در گسترش مفاسد اقتصادی و سیاسی می‌باشد.

ویژگی شفافیت و پاسخ‌گویی نظام دموکراتیک در این است که نه فقط شاخه اجرایی حکومت بلکه باید همه ارکان و ابعاد حکومت و مقامات عالی سیاسی و قضایی نسبت به یکدیگر و مراجع مستقل، جوامع مدنی و مردم شفاف‌سازی نمایند و در نهایت خود را پاسخ‌گو نمایند (حیدری، ۱۳۹۹). به این جهت، پاسخ‌گویی در نظام دموکراتیک، پاسخ‌گویی چند وجهی است: مسئولیت سیاسی به مردم و مقامات عالی حکومت نسبت به یکدیگر، مسئولیت پارلمانی به مجلس قانونگذاری و نمایندگان مستقیم مردم، پاسخ‌گویی قضایی به مقامات و محاکم قضایی برحسب تخلف و سوء استفاده از اختیارات و صلاحیت‌های قانونی، مسئولیت اداری مسئولان و مدیران اجرایی و اداری به مقامات عالی سیاسی.

۵- شفافیت در تعیین شرایط مجریان و نحوه احراز

مجری انتخابات وزارت کشور است که از طریق فرمانداران و بخش‌داران اقدام به برگزاری انتخابات می‌نماید. در مورد فرمانداران و بخش‌داران، شرایط پیش‌بینی شده همان مواردی هستند که در ارتباط با سوابق مدیریتی، شرایط تحصیلی و ... آنها در دستورالعمل‌های وزارت کشور به آنها تصریح شده است (تقی‌زاده و کریم‌زاده شریف‌آباد، ۱۳۹۲، ص ۳۲). بنابراین با توجه به احراز قبلی این شرایط نیاز به احراز مجدد آنها نیست. اما در مورد نمایندگان فرمانداران و بخش‌داران، قوانین ساکت بوده و در مورد شرایط و نحوه احراز این شرایط بحثی به میان نیامده است تنها در ماده ۴۷ قانون انتخابات ریاست جمهوری (اصلاحی ۱۳۹۱) مقرر گردیده که هیات‌های اجرایی باید معتمدینی را انتخاب نمایند که دارای سواد نوشتن و خواندن باشند. برابر ماده ۱۱ آئین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز ۵ سال سکونت در محل معیار تفکیک معتمدین محلی بیان شده است. مطابق ماده ۱۲ این آیین‌نامه، هیات‌های نظارت موظف‌اند پس از وصول فهرست اسامی معتمدان

^۱ از ویژگی‌های جمهوری نظام سیاسی، مشارکت همه‌جانبه مردم در امور عمومی، برابری زمامداران با احاد ملت در مقابل قانون، مسئولیت سیاسی و دموکراتیک زمامداران و به نهادها و نمایندگان منتخب مردم و محدودیت دوره زمامداری است.

پیشنهادی فرمانداران یا بخشداران، براساس ماده (۳۲) قانون و تبصره‌های ذیل آن به طور کتبی نظر خود را در خصوص تأیید صلاحیت آنان حداکثر ظرف مدت سه (۳) روز به فرماندار یا بخشدار ذی ربط اعلام نمایند. از آسیبهای مهم این حوزه عدم تعیین شرایط برای مجریان انتخابات است و بیان کلی در انتخاب مجریان خود از ابهامات و عدم شفافیت در این مقوله می‌باشد. به طوری که تاثیر این عدم شفافیت را در جانب‌داری و تخلفات برخی شعب نسبت به برخی کاندیداها دارند. حال بیان شفاف در شرایط و تحت تعلم و آموزش مستمر قرار دادن آنها از راهکارها و الگوی پیشنهادی می‌باشد، تا از انحرافات و جهت‌گیری‌های شخصی کاسته شود.

مجریان انتخابات، واسطه‌ی مستقیم انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان هستند. رفتار، گفتار و عملکرد آنها می‌تواند در ایجاد اعتماد یا سلب اعتماد انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان نقش اساسی داشته باشد (هاشمی و عدالت‌جو، ۱۳۹۰، ص ۲۳۷). برگزاری انتخابات شفاف، حفظ حیثیت افراد، رعایت اصلی بی‌طرفی و فراهم کردن شرایط برابر برای همه کاندیداها و طرفداران آنها، از مهمترین خصیصه‌هایی هستند که باید مجریان انتخابات داشته باشند. در مورد مجریان، شفافیت باید در دو موضوع مورد توجه قرار بگیرد؛ یکی در مورد تعیین شرایط مجریان و دیگری در مورد نحوه احراز این شرایط است. در ادامه ابتدا شفافیت در تعیین شرایط و سپس شفافیت در احراز این شرایط در مورد مجریان مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱-۵- تعیین شرایط

حفظ و بالا بردن اعتماد عمومی به وجود امانت و بی‌طرفی در فرایند انتخابات، از جمله الزامات نهاد اداره‌کننده انتخابات است (خسروی، ۱۳۸۹، ص ۴۱۵). دستگاه‌ها و نهادهای مجری باید با شیوه و منش برابر با همه‌ی رقبای سیاسی رفتار کنند و نوع ارائه‌ی فرصت‌ها به رقبای به‌گونه‌ای نباشد که جنبه‌ی طرفداری و اعطای امتیاز خاص به گروه یا جناحی خاص تلقی شود (تقی‌زاده و کریم‌زاده شریف آباد، ۱۳۹۲، ص ۲۸). این اصل در ماده‌ی ۵۹ قانون انتخابات و ماده‌ی ۶۸ قانون انتخابات ریاست جمهوری نیز مورد تأکید واقع مجلس شورای اسلامی شده است. افزون بر این، ماده‌ی ۷۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری بیان می‌کند که مقامات اجرایی و نظارت بر انتخابات حق تبلیغ، له یا علیه هیچ‌یک از داوطلبان انتخاباتی را نخواهند داشت و تخلف از این قانون جرم محسوب می‌شود. در بند ۱۵ سیاست‌های کلی انتخابات نیز به «رعایت کامل بی‌طرفی از سوی مجریان و ناظران» اشاره شده، اما همچون بسیاری از قواعد حقوقی، انتظار اجرایی شدن این قواعد، مستلزم وجه تضمینی قوی است. از جمله آسیب‌های مطرح شده در این حوزه این است که معیاری مشخص جهت گزینش اعضای مجریان انتخابات در میان نبوده و انتخاب نمودن آنها از سوی فرمانداران و بخشداران سلیقه‌ایست. همچنین عدم آموزش مستمر و عدم آگاهی افراد از نقششان در فرایند انتخابات و اینکه چگونه نقش آنها، فرایند انتخابات را شفاف و قابل اعتماد می‌کند. همچنین عدم ارتباط پویا برای

اعضا و اینکه بسیاری از این افراد بومی محل انتخابات هستند و به طور ضمنی و مستتر ممکن است جهت‌گیری و سمت و سویی به کاندیداها داشته باشند می‌تواند به کاهش شفافیت در فرآیند انتخابات منجر شود. راهکار پیشنهادی این است که با ایجاد نهاد مدیریت انتخابات مستمر، این افراد در طول بازه زمانی تا انتخابات بعدی ارتباط خود را با سیستم حفظ نموده و مورد آموزش و ارزیابی قرار بگیرند.

همچنین از آن جایی که ترکیب معتمدان هیأت‌های اجرایی انتخابات غالباً متأثر از گرایش‌های سیاسی و برگرفته از اراده فرمانداران و هیأت‌های نظارت است، فلذا طبیعی است که تأثیرات این گرایش‌ها در زمانی که دو نهاد اجرا و نظارت از یک گرایش سیاسی خاص و همسو باشند، نمایان شود. در واقع بیشترین آسیب زمانی است که هیأت‌های اجرایی همسویی خودشان را با هیأت‌های نظارت نشان می‌دهند و به جای این که این هیأت‌ها از میان معتمدان واقعی مردم انتخاب گردند، از چهره‌هایی انتخاب می‌شوند که در اصل باید مورد اعتماد هیأت‌های نظارت باشند و نه معتمدان واقعی مردم در شهرها و بخشها که به معنای متعارف آن متداول است (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۵: ۱۰۰).

مع‌الوصف به دلیل اهمیت جایگاه و نقش مهمی که هیأت‌های اجرایی، در صحت اجرای قانون و سلامت انتخابات ایفاء می‌کنند، ضرورت دارد که روند انتخاب و شکل‌گیری ترکیب هیأت‌های اجرایی تغییر یابد. به گونه‌ای که نهاد ناظر مطلقاً نقشی در کم و کیف انتخاب و بررسی صلاحیت آنان نداشته باشد و مستقل از خواست ناظر، این هیأت‌ها انتخاب شوند اما نهاد نظارت‌کننده بر انتخابات هم نظارت مؤثر و استصوابی خود را آن‌گونه که قانون مشخص کرده است اعمال نماید. برای تبیین این موضوع تصور شود که داوران یا داور مسابقه فوتبال بخواهد در چینیس بازیکنان دو تیم مسابقه‌دهنده مداخله نماید و به بررسی قابلیت‌ها و توانایی‌های هریک از بازیکنان بپردازد و با داوری خود بگوید که بازیکن الف می‌تواند در تیم ۱ و بازیکن ب در تیم ۲ مقابل هم بازی کنند. آیا این بازی قابل قبول است؟ و می‌توان نام این شخص را داور قلمداد کرد؟ بدون شک خیر. چرا که داور صرفاً شأن داوری و قضاوت دارد و نمی‌تواند هم زمان هم داوری کند و هم تیم‌های شرکت‌کننده را آن طور که می‌خواهد بچیند و سامان دهد و به اصطلاح هم داوری کند و هم تیم‌داری دو تیم بازی‌کننده.

بنابراین ضرورت دارد فرایند فعلی سامان جدید و مستقلی پیدا کند تا معتمدان هیأت‌های اجرایی از نمایندگی و کارگزاری دولت و هیأت‌های نظارت به نمایندگی و کارگزاری مردم تغییر نقش دهند و یا این که ترکیب هیأت‌های اجرایی به گونه‌ای باشد که علاوه بر نمایندگان دولت، نمایندگان احزاب و یا نامزدها و یا نمایندگان دو جریان سیاسی عمده هم، هر کدام یک نفر با حق رأی در ترکیب هیأت‌های اجرایی با گرایش بیشتر حقوقی قرار گیرند تا ضریب سلامت انتخابات افزایش یافته، و حیاط خلوت‌های کنونی، با این حضور و اصلاحات به عمل آمده از بین برود (زمانی، ۱۳۹۷: ۱۸). بنابراین طبیعی است که این ترکیب باید در شعب اخذ رأی هم، خودش را نشان دهد و در حقیقت

با چنین ترکیبی است که به نوعی می‌توان با کنترل‌های غیررسمی اعم از مردمی، حزبی و رسمی، بیش از پیش سلامت انتخابات را تضمین و بیمه نمود. در چنین شرایطی است که هیچ‌یک از اعضاء شعب اخذ رأی و یا اعضای هیأت اجرایی، نمی‌توانند در امانت، خیانت کنند و به طور طبیعی یکدیگر را کنترل می‌کنند. در کشورهای زیادی از جمله امریکا و خیلی از کشورهای اروپایی و حتی کشور همسایه شمالی ایران آذربایجان چنین عمل می‌شود (زیرائی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۷۵). بنابراین در شرایط فعلی به دلیل این که ترکیب اعضای هیأت‌های اجرایی، شعب اخذ رأی، سایت‌های شمارش آراء و تجمیع آن در بیشتر مقاطع در ساحت یک حزب کاملاً دولتی و یا حاکمیتی عمل می‌کنند، شفافیت و دقت انتخابات کاهش می‌یابد. بنابراین طبیعی است که اتفاقاتی بروز می‌کند که شگفت‌انگیز و عجیب می‌نماید.

در واقع بی‌طرفی و استقلال معتمدان هیأت‌های اجرایی و یا یکدست نبودن نهاد اجرا و نظارت به لحاظ سوگیری‌های سیاسی تنها موضوعی است که می‌تواند صحت و سلامت انتخابات و پاسداری از حقوق داوطلبان و مردم را تضمین کند و یا اینکه معتمدان هیأت‌های اجرایی ترکیبی حزبی داشته باشند تا منافع حزبی و گروهی مانع تخلف و یا تقلب احتمالی دست‌اندرکاران گردد. در شرایط فعلی انتخابات کشور جای چنین هیأت‌هایی خالی است و معتمدان هیأت‌های اجرایی فعلی به عنوان تابعی وابسته به وزارت کشور و هم چنین هیأت‌های نظارت شورای نگهبان بیشتر عمل می‌کنند.

۲-۵- نحوه احراز شرایط

شفافیت در تعیین شرایط مجریان می‌تواند در روند انتخابات و سلامت آن نقش انکارناپذیری داشته باشد. همانگونه که بیان شد، مامورین نیروی انتظامی به عنوان حافظین صندوق، بازرس وزارت کشور، نماینده هیأت نظارت و نماینده یا نمایندگان نامزدها از جمله اشخاصی هستند که در فرایند اجرایی انتخابات دارای نقش‌های مشخص شده هستند (قمری و اعظم‌پور، ۱۳۹۶، ص ۶۱). تمامی این اشخاص در اجرای انتخابات دخیل هستند به جز نماینده نامزدهای انتخابات که مقنن در قوانین مختلف ممنوعیت‌هایی را برای آنها پیش‌بینی نموده است از جمله اینکه، نماینده نامزد حق دخالت در امور شعبه و حق نوشتن رأی برای دیگران را ندارد. مطابق تبصره ۲ ماده ۶۴ مکرر ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، چنانچه نماینده نامزد در شعبه اخذ رأی له یا علیه نامزدی تبلیغ نماید، برابر مقررات مربوط با وی رفتار خواهد شد. در تبصره الحاقی ماده ۶۹ آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات خبرگان رهبری مصوب ۱۳۸۵/۹/۲۲ نیز مقرر شده است که حضور نمایندگان هر یک از کاندیداهای مجلس خبرگان رهبری تا پایان اخذ رأی و شمارش آراء و تنظیم صورتجلسه بلامانع است. برای اینکه شفافیت در نحوه احراز شرایط سلیقه‌ای نباشد، باید در قوانین و مقررات جاری و به صورت شفاف این شرایط تعیین و احراز آن دارای ضوابط مشخصی باشد.

موارد ذیل از جمله آسیب‌هایی هستند که در ارتباط با مجریان انتخابات در ایران به نظر می‌رسد:

آسیب اول: فقدان نگرش راهبردی در قوانین انتخاباتی

برگزاری انتخابات طیف وسیعی از فعالیت‌های انتخاباتی را چون تبلیغات، تأمین هزینه‌ها، رسیدگی به جرائم و تخلفات انتخاباتی را در برمی‌گیرد. منضبط نمودن عرصه انتخاباتی کشور نیاز به وجود قوانین و مقررات جامعی دارد که تمامی زوایای انتخاباتی را تحت پوشش قانونی قرار دهد (شمسا، ۱۳۸۸: ۳). شالوده قوانین انتخاباتی ایران ناشی از ذهنیت قانون‌گذار دهه اول انقلاب و متأثر از فضای فرهنگی خاص آن دوره وضع گردیده و با تغییرات اجتماعی و سیاسی سالیان بعد همراه نبود و لزوم تغییر در آن ایجاد شده بود. تغییر و تحول در قوانین انتخاباتی در طول دهه شصت در مجلس شورای اسلامی صورت گرفت. با این وجود در سالیان بعد و در ادوار متعدد مجلس مواد و بندهای متعددی از قوانین مصوب تغییر یافته است. به عنوان نمونه قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی تاکنون و در تمام ادوار مجلس حدود سی بار دستخوش جرح و تعدیل گشته است. اگرچه بخشی از تغییرات ناشی از ضرورت‌های تحولات سیاسی و اجتماعی اما در بسیاری از موارد تغییرات عمدتاً ناشی از اعمال سلابق مقطعی نمایندگان در تدوین قوانین انتخاباتی بود. علاوه بر این لوایح و طرح‌های متفاوت مجلس و دولت و ناهماهنگی بین قوا در قانونگذاری انتخابات حاکمی از فقدان نگرش راهبردی و وجود تعارض در دیدگاه نسبت به ماهیت و محتوای قوانین انتخاباتی در کشور است. حاصل جامع نبودن قوانین، به روز نبودن و تفسیرهای یکسویه از قوانین انتخاباتی و ابهام آفرینی در اجرای قوانین بوده است. به عنوان نمونه می‌توان از ابهام قانونی تبلیغات انتخاباتی در فضای مجازی و یا هزینه‌های انتخاباتی یاد کرد که نشانگر منطبق نبودن قوانین انتخاباتی با تحولات تکنولوژیک و شفاف نبودن قوانین انتخاباتی در مورد هزینه‌ها و نبود صراحت در جنبه‌های مختلف اجرایی انتخابات است. راهکاری که در این زمینه به نظر می‌رسد یکپارچه کردن قوانین و وحدت در رویکردها به انتخابات است. لازم است تا تمامی زمینه‌های مهم انتخاباتی (مالی، قانونی و بحث شفافیت) در یک رویکرد مقنن و مدون مورد بررسی قرار گرفته و اختلافات در این زمینه از بین برود.

آسیب دوم: فقدان استقلال نهاد مجری انتخابات

استقلال، بی‌طرفی، امانت و صحت، شفافیت، کارایی، ارائه خدمت و تخصص‌گرایی، اصول ناظر بر مدیریت مطلوب انتخابات است. از این میان اصل استقلال را به‌عنوان پایه‌ای‌ترین اصل حاکم بر مدیریت انتخابات دانسته‌اند. اصلی که دیگر اصول را تحت شعاع خود قرار می‌دهد (جانسون، ۲۰۱۹، ص ۱۲۶). استقلال یک نهاد در ابعاد؛ استقلال نهادی یا ساختاری، استقلال پرسنلی، استقلال مالی و استقلال کارکردی قابل شناسایی است. در بعد نهادی، استقلال به معنی این است که نهاد مربوطه از نظر ساختار و تشکیلات تحت نظارت نهادی فراتر از خود نباشد. در بعد کارکردی مستقلاً به ایفای نقش و وظایف خود اقدام کند و از صلاحیت لازم برای تعیین وظایف و ساختار خود در قالب آیین‌نامه و دستورالعمل برخوردار باشد. در بعد پرسنلی در استخدام و نصب و عزل مقامات و

کارگزاران آزادی عمل داشته باشد و در بعد مالی از بودجه مستقل برخوردار بوده و بر محاسبات مالی و هزینه‌ها رأساً کنترل داشته باشد (فلاح‌زاده، ۱۳۹۲: ۳).

فقدان استقلال مجری یعنی وزارت کشور، یکی از اشکالات عمده است که اکثر منتقدین اجرای انتخابات در ایران مطرح می‌کنند سپردن حوزه اجرایی انتخابات به وزارت کشور که از استقلال در ابعادی چهارگانه برخوردار نیست، به معنی پذیرش ضمنی احتمال مداخله دولت در فرآیند انتخابات است. وزارت کشور از لحاظ ساختاری، مالی و پرسنلی و کارکردی وابستگی تمام به قوه مجریه دارد. چرا که از لحاظ حقوقی یک شخصیت مستقل از دولت محسوب نمی‌شود (طاهری فدافن و باقری فارسانی، ص ۱۴۸). کنترل نداشتن بر عزل و نصب مقامات اصلی همانند استانداران، فقدان استقلال در امور مالی و اثرپذیری از آیین‌نامه‌های هیئت وزیران استقلال حقوقی وزارت کشور را به عنوان نهاد اجرایی انتخابات در معرض خدشه‌پذیر قرار می‌دهد. اگرچه قانون‌گذار با آگاهی از وابستگی نهاد اجرایی انتخابات نظارت بر انتخابات را به شورای نگهبان سپرده است ولی این واقعیت امکان‌ناپذیر نمی‌نماید که نهاد اجرایی در انتخابات ایران در جریان رقابت‌های انتخاباتی خود یکی از گروه‌های مدعی و یا ذی‌نفع در انتخابات باشد. در واقع هر چند که نهاد مجری انتخابات در ایران بر مبنای قوانین تصویبی مجلس شورای اسلامی گام بر می‌دارد و وزیر کشور در مقابل اعمال خود در مقابل مجلس شورای اسلامی پاسخگو است و همچنین حضور مردم در هیئت‌های اجرایی برگزاری انتخابات منجر به کاستن نقش مقتدرانه دولت می‌گردد ولی فقدان استقلال ساختاری از دولت همواره زمینه را برای اجرای مطلوب و منطبق با انتظار با چالش مواجه ساخته است.

راهکار مورد نظر در این زمینه، مستقل شدن مجری انتخابات در ایران است. این امر می‌تواند به این صورت عملیاتی شود که یک کارگروه مربوط به انتخابات در وزارت کشور تشکیل شود، که مستقل از دولت‌ها و به صورت پیوسته فعالیت کرده و رویکردی ثابت و مطابق با آخرین قوانین مصوب داشته باشد. در این صورت، چنین کارگروهی، صرفاً در زمان انتخابات فعالیت نداشته و برای از بین بردن چالش‌های انتخابات در ایران به ارزیابی، تحلیل و اصلاح نظام انتخابات می‌پردازد.

آسیب سوم: فقدان نظارت سلسله مراتبی

آنچه که از آسیب‌شناسی نظام انتخاباتی پیرامون نقش‌های مجریان به شرحی که گذشت به نظر می‌رسد، مورد اغفال واقع شده، نقص در نظارت‌های سلسله‌مراتبی به ویژه از طریق نظارت مانیتورینگ در خصوص اجرای وظایف است. با این توضیح که، مسئولیت اصلی برگزاری انتخابات مطابق قوانین و مقررات به عهده نهاد مدیریت اجرایی انتخابات می‌باشد. از آنجایی که انتخابات نیازمند یک سازماندهی منسجم و یکپارچه می‌باشد و هر کدام از مراحل تأثیرگذار بر مراحل دیگر است، مقتضی است تا نهاد مدیریت انتخابات، اشراف کاملی بر انجام وظایف و مسئولیت‌هایش در کل فرآیند انتخابات داشته و بر نحوه اجرایی شدن وظایف و اختیاراتش توسط مقامات و مأموران مآدون نظارت

داشته باشد. کلیه کمیسیون‌ها و مدیران و مأموران انتخاباتی که در زیر شاخه نهاد اصلی مدیریت انتخابات قرار دارند، به دلیل عملی نمودن وظایف و اختیارات نهاد اصلی انتخابات، در یک نظام سلسله مراتبی و طولی با این نهاد قرار دارند و قواعد چنین نظامی بر آنها اجرا می‌گردد. از جمله این قواعد حق نظارت مطلق نهاد اصلی انتخابات بر کلیه اقدامات، تصمیمات و عملکردهای کمیسیون‌های مآدون در قالب دو نظارت ارشادی و تعقیبی می‌باشد. در نظارت ارشادی، این نهاد مکلف است تا آموزش‌های لازم را به تمام مدیران و مأموران انتخاباتی پیش از انتخابات در قالب کلاس‌ها و برنامه‌های آموزشی ارائه نماید و با صدور دستورالعمل‌ها ارشادی، راهبردی، الزام‌آور و اجرایی آنها را در مسیر انجام درست و کارآمد وظایف و اختیارات اعطایی قرار دهد. در نظارت تعقیبی نیز این نهاد مکلف است تا مراقبت نماید فرآیند انتخابات مطابق قوانین و مقررات صورت گیرد و در صورت مشاهده هرگونه کاستی، قصور، تخلف، اقدام به اصلاح، تغییر یا ابطال تصمیمات و اقدامات مقامات و مأمورین مآدون و اتخاذ تصمیم جدید بنماید. در طول فرآیند انتخابات، همواره شاهد اعتراضات و شکایات نسبت به تصمیمات و عملکردهای مدیران و مأموران انتخاباتی در بخش‌های مختلف از سوی بازیگران و مقامات ذی‌صلاح هستیم، که بخشی از این اعتراضات و شکایات که جنبه و ماهیت جرم را ندارند قابل طرح و بررسی در نهاد اصلی انتخابات است. البته بخشی از اعتراضات و شکایات ابتدائاً توسط همان مدیر یا مأمور صادرکننده تصمیم مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت عدم رفع مشکل، اعتراض و شکایت قابل طرح در کمیسیون‌های بالاتر و نهایتاً نهاد اصلی انتخابات می‌باشد.

از دیگر کاستی‌های پیش روی قانون انتخابات ریاست جمهوری فرآیند انتخاب معتمدان هیأت‌های اجرایی در حوزه‌های انتخابیه است. به طوری که مجریان انتخابات در قانون فعلی اعم از ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری، ملزم شده‌اند تا کادر اجرایی انتخابات را در هیأت‌های اجرایی، از میان کسانی انتخاب کنند که مورد نظر و تأیید نهاد ناظر باشند. در حالی که این هیأت‌ها باید در واقع توسط متولیان انتخابات از میان معتمدان محل در شهرها و بخش‌ها انتخاب گردند و تنها فعل و عمل آنها در کل مراحل انتخابات است که باید تحت نظارت هیأت‌های نظارت - آن هم مطابق قانون و آئین‌نامه‌های اجرایی - قرار گیرد. بنابراین این رفتار نهاد ناظر که در قوانین فعلی آمده است، سبب گردیده است تا استقلال مجریان و برگزارکنندگان انتخابات تا حد قابل ملاحظه‌ای مخدوش شود و نهاد ناظر در واقع بر نیروهایی نظارت می‌کند که از فیلتر خود آن نهاد گذشته و رای اعتماد به آنها داده است. در واقع فرمانداران و بخشداران موظف اند سی نفر از معتمدان محلی را مطابق ماده ۳۹ به هیأت‌های نظارت حوزه انتخابیه معرفی کنند و پس از تأیید آنها توسط نهاد ناظر، با دعوت فرماندار، حداقل ۲۰ نفر از آنان که صلاحیت آنها تأیید گردیده است تشکیل جلسه داده و با رأی مخفی ۸ نفر عضو اصلی و ۵ نفر عضو علی‌البدل از میان آنها انتخاب می‌شوند. که با سه نفر عضو اداری جمعاً ۱۱ نفر ترکیب هیأت اجرایی را تشکیل می‌دهند. توضیح اینکه در قانون فعلی روال انتخاب به گونه‌ای است که در واقع معتمدان هیأت‌های اجرایی انتخاب شده در

واقع امر، معتمدان واقعی مردم نیستند بلکه معتمدانی هستند که توسط فرمانداران و بخشداران حوزه‌های انتخابیه به هیات‌های نظارت معرفی و پس از تایید صلاحیت آنها توسط آن هیات‌ها است که آن نهاد ترکیبی و التقاطی اجازه می‌یابد به مسئولیت‌های قانونی خود عمل کند (تقی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۶). یعنی وزارت کشور به عنوان مسئول اجرای قانون و حسن جریان آن و البته به نمایندگی از جانب دولت، و هیات‌های اجرایی هم به اصطلاح به مثابه معتمدان در مردم در محل پس از تأیید نهاد ناظر، عهده‌دار اجرای برگزاری انتخابات و صحت و سلامت آن می‌گردند و شورای نگهبان هم به عنوان نماینده بالاترین مقام کشور، عهده‌دار نظارت بر کل فرایند انتخابات می‌گردد.

هرچند که در بعضی از دوره‌ها و از جمله در انتخابات دهم ریاست جمهوری و مجلس هشتم، به دلیل اینکه دست‌اندرکاران اجرا و نظارت از یکپارچگی سیاسی واحدی برخوردار بوده‌اند، طبیعی است که چالش بین مجریان و ناظران در نازل‌ترین سطح آن پیش می‌آید. بنابراین چنین به نظر می‌رسد که قانون‌گذار باید در یکی از مواد و یا تبصره‌های قانون انتخابات، نهاد ناظر را از هرگونه تفسیر قوانین عادی و از جمله قانون انتخابات منع نماید و در صورت ضرورت رفع ابهام، مراتب تفسیر قانون انتخابات باید به مجلس شورای اسلامی مطابق مفاد اصل ۷۳ قانون اساسی^۱ ارجاع گردد تا چالش بر سر تفسیر قانون میان مجریان و ناظران فیصله یابد. هرچند که همه اشکالات عرصه انتخابات مربوط به قوانین نیست بلکه کم و کیف اجرای قانون و عدم پایبندی مجریان و یا ناظران انتخابات به قانون هم، از مشکلات و آسیب‌های پیش روی نظام انتخابات در ج.ا. ایران است.

لذا باید برای ارتقای سطح سلامت و صحت انتخابات، ترکیب هیات‌های اجرایی به گونه‌ای اصلاح و سامان یابد که این معتمدان کمترین وابستگی را به دولت‌های حاکم و دیگر بخش‌های حاکمیت داشته باشند و در واقع ترکیبی متشکل از مسئولان اداری، نمایندگان نامزدها، احزاب و نهادهای مدنی، ساختارهای هیات‌های اجرایی را تشکیل دهند و یا ترکیبی از جنس هیات‌های منصفه ماهیت این هیات‌ها را تشکیل دهند تا گرایش‌های دولتی و یا یک جریان خاص سیاسی به حداقل تنزل یابد و راه هرگونه تخلف از قانون به صورت طبیعی سد گردد.

از اشکالات دیگری که قابل طرح است عدم برخورداری بخش زیادی از اعضای هیات‌های اجرایی از توانمندی‌های تخصصی، حرفه‌ای و ویژگی‌هایی چون امانت‌داری و پایبندی به قانون و بی‌طرفی در هر انتخابات است (انصاری‌فرد، ۱۳۹۷: ۴۵-۴۶) به طوری که قانون‌گذار در مدلول تبصره ۳ ماده ۳۹ تنها بر مشخصه‌های ایمان، التزام عملی به اسلام و قانون اساسی و سواد خواندن و نوشتن که بیشتر جنبه کلی و کیفی دارد تاکید نموده است که در واقع این شرایط از بدیهیات افراد جامعه است. درحالی که در عصر ارتباطات، و انفجار اطلاعات و اینترنت و ظهور سایت‌ها، وبلاگ‌ها و ماهواره‌ها

^۱ شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادرسان در مقام تمیز حق از قوانین می‌کنند نیست.

و... و وجود تحصیل کرده‌های فراوان در کشور، طبیعی است که به کارگیری افراد دارای فقط شرط سواد خواندن و نوشتن در زمانه فعلی، امری به واقع غیرقابل توجیه است و نمی‌تواند چنین ترکیبی در شرایط امروز جامعه از کارآمدی و اثربخشی لازم در جهت اجرای و برگزاری یک انتخابات مطلوب آزاد و عادلانه و متکی به قانون برخوردار باشد.

قانون فعلی، بر عدم حضور عوامل رژیم سابق که بیش از چهار دهه از سقوط آن رژیم وابسته به اجانب سپری شده تکیه نموده است. اما به روز نشدن قانون متناسب با شرایط امروز و حذف نشدن چنین موادی از قانون انتخابات که عملاً این عناصر غالباً یا دار فانی را وداع گفته و یا در مقطع سنی قرار ندارند که عهده‌دار چنین مسئولیت‌هایی در هیات‌های اجرایی و... گردند و جامعه هم انگیزه‌ای برای بکارگیری چنین افرادی را در صورت حیات ندارد. بنابراین این گونه امور از مقولاتی است که امروزه از موضوعیت افتاده و مسئله امروز جامعه ما هم نیست. لذا باید نسبت به اصلاح و منقح نمودن قانون و بازنگری آن مبادرت نمود.

از همه مهمتر اینکه، قانون فعلی انتخابات ریاست جمهوری در فضای جنگ و ترور حدود چهل سال پیش تدوین گردیده است و برآورنده نیازهای نوشونده امروز جامعه نیست و اگر اصلاحاتی هم در سال ۱۳۷۸ در آن صورت گرفته، متأسفانه روح حاکم بر اصلاحات صورت گرفته در قانون حتی ناظر به همان فضای چهل سال گذشته و متناسب با گفتمان نسل اول انقلاب هم نبوده است. چرا که در آن دوران قانون‌گذاران و صاحب‌منصبان رویکردی آزادانه‌تر و عادلانه‌تر از امروز داشته و دارند (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۵: ۱۸). بنابراین برای کارآمدی و حرفه‌ای شدن هیأت‌های اجرایی ضرورت دارد متناسب با ضرورت‌ها و نیازهای امروز کشور، و عبور از شرایط سنتی و غیر روزآمد، تدابیری اتخاذ گردد تا با بهره‌گیری از سیستم‌های الکترونیکی انتخابات، قانون انتخابات ریاست جمهوری هم به سمت اصلاح و به روز شدن و نه مضیق گردیدن شرایط برای انتخاب‌شوندگان سوق نماید و به جای شرایط فعلی معتمدان، مؤلفه‌هایی روزآمد همچون آشنایی به قانون، تحصیلات بالا، نداشتن گرایش‌های سیاسی خاص، پایبندی به قانون و امانت‌داری از آرای مردم، جایگزین مشخصه‌های کهنه فعلی گردد و مهمتر اینکه ترکیب هیأت‌های اجرایی و شعب اخذ رأی با حضور نمایندگان نامزدهای ریاست جمهوری همراه با حق رأی و امضای صورت‌جلسات متحول گردد. تا یک نوع خودکنترلی و نظارت غیررسمی و طبیعی علاوه بر نظارت رسمی هم بر کل فرآیند انتخابات شکل بگیرد و بر میزان صحت و سلامت انتخابات بیفزاید. با عنایت به آسیب‌های یاد شده، به نظر می‌رسد، انتخاب‌الگوی کشورهایی که دارای شورا یا کمیسیون مستقلی می‌باشند، در رفع این آسیب‌ها کاربردی باشد و ضمن رفع ایرادات یاد شده، در تضمین معیارهای شفافیت همچون بی‌طرفی و استقلال موثر واقع شود.

نتیجه گیری

از جمله مهم ترین ویژگی یک نظام انتخاباتی شفافیت آن است که می بایست در تمام مراحل آن مورد توجه قرار بگیرد. یک انتخابات صحیح از اساس و پایه که همان معرفی نامزدها و سازوکارها و روش های انتخاباتی است تا معرفی برنده ی انتخابات می بایست از شالوده ی درستی برخوردار باشد. در همین راستا، می توان نتیجه گرفت که شفافیت باید در طیف وسیعی از موضوعات در یک انتخابات مورد توجه قرار بگیرد. در یک تقسیم بندی کلی می توان شفافیت موضوعات یاد شده را به شفافیت قبل از برگزاری انتخابات، حین برگزاری انتخابات و بعد از برگزاری انتخابات مورد توجه و بررسی قرار داد. شفافیت در قانون، شفافیت در تعیین شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و بالاخره شفافیت در تعیین شرایط مجریان و ناظرین از جمله، مهمترین مسائل مطرح در حوزه شفافیت قبل از برگزاری انتخابات بشمار می آیند. برگزاری انتخابات یک فرایند حقوقی است که همراه با تشریفاتی خواهد بود. بنابراین، شفافیت در تعیین شرایط و ضوابط پیرامون نحوه برگزاری انتخابات نقش اساسی در ابراز رای به دنبال خواهد داشت. برای اینکه نحوه برگزاری انتخابات از شفافیت برخوردار گردد، باید وظایف هر یک از مجریان، ناظرین و سایر اشخاصی که در فرایند برگزاری انتخابات دارای نقش هستند به تفکیک مشخص شده و در زمان برگزاری انتخابات مورد نظارت قرار بگیرد. مجریان انتخابات و شفافیت در تعیین شرایط آنها می تواند در یک انتخابات مطلوب موجبات اعتماد مردم را به فرایندهای اجرایی و نتایج انتخابات رهنمون سازد. از همین رو برای مجریان انتخابات و فرایندهایی اجرایی یک انتخابات شرایط و ضوابط خاصی پیش بینی شده است که توجه به هر یک از آنها می تواند در برگزاری یک انتخابات و پذیرش برگزاری عادلانه آن از دید مردم موثر واقع شود. فقدان نظارت سلسله مراتبی، فقدان استقلال نهاد مجری انتخابات و فقدان نگرش راهبردی در قوانین انتخاباتی از جمله آسیب های نظام اجرایی انتخابات ایران در زمینه شفافیت است.

منابع

کتاب‌ها

- ۱- انصاری‌فرد، جابر (۱۳۹۷)، بررسی حقوقی نظام انتخاباتی ایران، چالش‌ها و راهکارها، چاپ اول، تهران: پژوهشگر برتر.
- ۲- بنی‌هاشمی، میرقاسم (۱۳۹۵)، انتخابات، ثبات سیاسی و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۳- زمانی، رویا (۱۳۹۷)، انتخابات در اندیشه نظریه‌پردازان، چاپ اول، تهران: سخنوران.
- ۴- طاهری، سمانه، داوودی گرمارودی، هما (۱۳۹۳)، سیاست کیفری سخت‌گیرانه، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- ۵- قمری، حسین و اعظم‌پور، سجاد (۱۳۹۶)، شفافیت در هزینه‌های انتخاباتی و نقش آن در کاهش فساد (با تاکید بر نظام انتخابات در ایران)، چاپ اول، تهران: علم استادان.

مقالات

- ۶- تقی‌زاده، جواد و کریم‌زاده شریف‌آباد، طیبه (۱۳۹۲)، اصل برابری و نظارت قانونی بر اجرای انتخابات نهاد‌های سیاسی، مطالعات حقوقی، دوره پنجم، شماره ۱.
- ۷- خسروی، حسن (۱۳۸۹)، دموکراسی و اصول حاکم بر انتخابات آزاد و منصفانه، تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه شماره ۲.
- ۸- رحمتی‌فر، سمانه (۱۳۹۴)، ظرفیت‌سنجی فرایند ایجاد قاعده حقوقی به عنوان مبنای قواعد متکثر حقوقی در دوران جهانی شدن (آیا مبنای قاعده حقوقی عینی شده است؟)، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۴۶.
- ۹- زارعی، محمدحسین (۱۳۸۳)، حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران، تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰.
- ۱۰- زیرائی، رضا؛ زارعی، امیر و واعظی، سید مجتبا (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی نظام‌های رأی‌دهی ترجیحی: تعریف متغیرهای کیفی برای انتخابات، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۶، شماره ۲.

- ۱۱- شمس، محمدرضا (۱۳۸۸)، ضرورت تدوین قانون جامع انتخابات، گزارش‌های کارشناسی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی).
- ۱۲- طاهری، محسن و ارسطا، محمدجواد (۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی مبانی اصل شفافیت از دیدگاه اسلام و نظریه حکمرانی خوب، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۹.
- ۱۳- طاهری فدافن، دانیال و باقری فارسانی، مهدی (۱۳۹۳)، بررسی حقوقی نظام‌های سه‌گانه مدیریت اجرایی انتخابات «الگوهای دولتی، مستقل و ترکیبی»؛ هم‌سنجی نظام اجرایی انتخابات ایران با الگوهای سه‌گانه و واشکافی اندیشه تشکیل کمیسیون انتخابات، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۸، شماره ۳.
- ۱۴- فلاح‌زاده، محمدعلی، (۱۳۹۲)، ابعاد استقلال نهاد ناظر بر انتخابات با تأکید موردی بر شورای نگهبان، تهران، مرکز تحقیقات شورای نگهبان.
- ۱۵- محمدزاده اصل، محمد؛ زارع، اکبر و مهدی‌زاده شخملو، بهروز (۱۳۹۵)، بسترها و ابزارهای نظارتی لازم در تحقق انتخابات مردم‌سالار، کانون وکلای دادگستری، شماره ۴۱.
- ۱۶- ناعمه، حسن (۱۳۹۰)، شفافیت و مبارزه با فساد در انعقاد قراردادهای اداری ایران، تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه شماره ۴.
- ۱۷- وکیلان، حسن و درخشان، داور (۱۳۹۶)، بررسی کارایی قوانین افشای اموال در کاهش فساد اداری با رویکرد تطبیقی، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۷۷ و ۷۸.
- ۱۸- هاشمی، سید محمد؛ همتی، مجتبی و اسماعیل‌زاده، حسن (۱۳۸۸)، حقوق شهروندی و توسعه شهری مشارکتی، تحقیقات حقوقی، شماره ۵۰.
- ۱۹- هاشمی، محمد و عدالت‌جو، اعظم (۱۳۹۰)، مطالعه تطبیقی نظارت بر انتخابات پارلمان در ایران و انگلستان، تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، شماره ۱۱.

پایان‌نامه و رساله

- ۲۰- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۳)، نقش دولت در حکمرانی خوب، رساله‌ی دکتری، تهران: دانشکده‌ی حسابداری و مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۲۱- مرادپور، احمد (۱۳۹۶)، بررسی نظارت بر هزینه‌های انتخاباتی در نظام حقوق انتخاباتی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

منابع لاتین

- ۲۲- Johnston, Michael (۲۰۱۹), Limits and Ironies of Transparency: Controlling Corruption in American Elections, Election Law Journal: Rules, Politics, and Policy, Vol. ۱۸, No. ۳.

- ۲۳- Green, R (۲۰۱۴), Transparency rules in US elections need updating to reflect ۲۱st century realities, LSE American Politics and Policy, Vol ۱۹.
- ۲۴- Kaufmann, daniel (۲۰۰۵), Myths and Realities of Governance and Corruption, Natural Resource Governance Institute (NRGI); The Brookings Institution.
- ۲۵- Merloe, p (۲۰۱۹), Human rights: The basis for inclusiveness, transparency, accountability and public confidence in elections, International principles for democratic elections, vol ۵۴.
- ۲۶- Shah, Anwar & Schacter, Mark (۲۰۰۴), Combating Corruption: Look Before You Leap: A lack of progress in eradicating corruption could be due to misguided strategies, International Monetary Fund.